

فهرست مطالب

۱.....	فهرست مطالب
۲.....	چکیده
۲.....	کلیدواژه‌ها
۲.....	اهمیت و ضرورت موضوع
۴.....	مقدمه
۴.....	جغرافیای سیاسی اسلام
۵.....	عوامل همگرایی جهان اسلام
۷.....	۱ - نقش شریعت و دینمداری در همگرایی
۹.....	۲ - توحید
۱۰.....	۳ - نبوت
۱۴.....	۴ - کتاب مقدس
۱۷.....	۵ - مکه معظمه و همگرایی
۱۸.....	۶ - اختلاف معقول آری؛ تکفیر و تفسیق نه
۲۰.....	عدم جواز تکفیر در مسأله خلافت و امامت
۲۲.....	۷ - گفتگو، سلاحی برای خلق گفتمان و همگرایی اسلامی
۲۴.....	منطق دیالوگ
۲۶.....	نتیجه مباحث گذشته
۲۷.....	۱- تأکید بر اصول و نقاط مشترک
۲۷.....	۲- حفظ وحدت و همگرایی با وجود اختلافات معقول
۲۷.....	۳- آثار و نتایج همگرایی
۲۷.....	۴- سیره اهل بیت: (ثقل اصغر) محور وحدت و همگرایی
۲۹.....	سخن آخر:
۳۰.....	منابع

## چکیده

همگرایی، تفاهم و همگامی مشترک جهان اسلام وابسته به عوامل متعدد درونی و برونی بوده و هست. اصول همیشه مشترک میان مسلمانان همانند: اصل بنیادی توحید، نبوت، وجود قرآن کریم، منافع تجاری مشترک اقتصادی، سیطره‌ی دین اسلام در عصر ظهور و جهانی‌سازی، کنگره عظیم جهانی حج و فروع مشترک دینی؛ چون نماز با اقسام متنوع، بیت‌المقدس به عنوان قبله‌ی اول مسلمین و مسئله‌ی حیاتی قدس در بین مسلمانان، از عوامل اصلی همگرایی در جهان اسلام است. شاید بتوان گفت که بیشتر عواملی که در همگرایی و بنیانهای تقریب مذاهب اسلامی نقش دارند، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم ریشه در ابعاد گسترده و جهانی دین اسلام دارد. در شرایط کنونی وظیفه‌ی مهم متفکران اسلامی، عالمان و نخبگان مراکز مهم دینی و دانشگاهی شیعه و سنی و نیز احزاب و تشکلهای اسلامی جهان اسلام، آن است که با آسیب‌شناسی عوامل هم‌اندیشی بیش از هر چیز به امر تقویت و جهت‌دهی افکار عمومی ملت‌های اسلامی به سمت عدالت‌طلبی، اسلام‌خواهی و وحدت امت اسلامی پردازند.

در این نوشتار با برشمردن عوامل اساسی همگرایی - همچون؛ یکتانگاری، دین و شریعت اسلام ناب، اصل وجود کتاب مقدس، شخصیت جهانی پیامبر اسلام ۶ و ابعاد گسترده سیره و سیرت حضرتش، کنگره جهانی حج، خلق مذاکره و مناظره‌های علمی میان اندیشمندان و متفکران فرق و مذاهب اسلامی جهت رفع یا کم کردن اختلافات در مسائل تشنج‌زا، سیره عملی و گفتار اهل‌بیت: به عنوان ثقل اصغر، که هر یک می‌تواند در جهت همگرایی، هم‌اندیشی و همگامی مشترک جهان اسلام نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند - به چگونگی دلالت این عوامل بر همگرایی نیز پرداخته شده است. سپس در ادامه بیان و تشریح هر عامل، تلاش شده تا پیشنهاد و راهکار کاربردی برای تقویت بیشتر آن عامل یا رفع موانع بر سر راه آن، بیان گردد. با توجه به اینکه بررسی ریشه‌ها و اسباب همگرایی ملازم با شناخت ریشه‌های واگرایی و تشنج‌زا در بین فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است؛ از این رو بخشی از این مقاله به بررسی مواردی چون: عدم تکفیر و تفسیق خصوصاً در مسئله مهم خلافت و جانشینی پس از نبی اکرم ۶، اختصاص یافته است. در پایان، نگاهی هر چند بسیار کوتاه به آثار و نتایج همگرایی شده است که البته خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبد.

**کلید واژه‌ها:** همگرایی، همبستگی جهان اسلام، امت واحد، تقریب مذاهب اسلامی، اخوت و اُلفت.

## اهمیت و ضرورت موضوع

بررسی عواملی که می‌تواند در همگرایی و انسجام امت اسلامی نقش سازنده، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز ایجاد کند، بدان حد اهمیت دارد که جزء نیازهای حیاتی و آنی ماست و نیاز به استدلال ندارد زیرا گذشته از آموزه‌های

دینی و تکالیف ملی و عقلائیت سیاسی و خردمندی، امت مؤمن و مسلمان هم؛ این را می‌خواهد که هیچ کس انسجام اسلامی را به هم نزنند و عوامل همگرایی را سست و تضعیف ننماید تا با حفظ توان بالقوه و بالفعل امت اسلامی و با جلوگیری از هدر رفتن نیروهای انسانی و منابع غنی طبیعی در پرتو هم‌اندیشی و همگرایی به سرعت، به پیشرفت‌های گوناگون مقتدرانه ملی و جهانی و اهداف بلند و آرمان‌های والای اسلامی خویش دست یافته و عزت و پیروزی بزرگ معنوی و مادی جهان اسلام را نظاره‌گر باشیم.

اگر امتی بخواهد زندگی سعادت‌مند و شرافتمندانه‌ای در عصر جهانی شدن داشته باشد و پیشرفت عظیم در عرصه‌های گوناگون تکنولوژی، صنعت، فراصنعت و حیات مادی و معنوی خود ایجاد کند باید روح همفکری و همگامی مشترک را در خود تقویت و بیاوراند.

غرض از انجمن و اجتماع جمع قواست  
چرا که قطره چون شد متصل به هم، دریاست  
ز قطره هیچ نیاید ولی چون دریا گشت  
هر آنچه نفع تصور کنی در او، آنجاست

انسجام اسلامی دنیای اسلام که زاینده‌ی شناسایی و تقویت ریشه‌ها و اسباب همگرایی است بدان‌سان اهمیت دارد که امیر مؤمنان ۷ مکرر در دوران حکومت علوی‌اش رسماً اعلان نمودند که:

نقد حکومت و حتی مخالفت با آن پذیرفتنی است تا آنگاه که انسجام و وحدت مسلمین شکسته نشود.<sup>۱</sup>

«اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» دو اصل مهم از اصول بنیادی جوامع اسلامی و دو حلقه اتصال از حلقه‌های زنجیره ثبات نظام‌های اسلامی است که متأسفانه به دلایلی در جهان اسلام خصوصاً بین دول اسلامی کمرنگ شده است و باعث وارد شدن آسیب‌های فراوانی در عرصه‌های مختلف بر نظام‌های اسلامی و جهان اسلام شده است. «انسجام اسلامی» یعنی ملت‌های مسلمان جهان با هم، با تکیه بر مشترکات دینی متحد و همگام باشند. بنابراین واژه «انسجام» کلمه‌ای است که راهبردی بالاتر از مسئله وحدت دارد؛ زیرا اگر وحدت در اندیشه، فکر، نیت و قلب است ولی انسجام، یک وحدت رویه‌ای را در عمل و عکس‌العمل بیرونی تداعی می‌کند. از این رو، انسجام اسلامی نه تنها در عرصه داخلی بلکه با تأکید بیشتر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی جهان اسلام مد نظر می‌باشد. با توجه به توطئه استکبار جهانی برای ایجاد تفرقه نژادی، مذهبی و ملی بین کشورهای اسلامی، انسجام اسلامی یک شعار کلیدی کاربردی است که ما امروز در منطقه خاورمیانه و سطح بین‌المللی به شدت به آن نیازمندیم. آنگاه که تمام مجموعه مذاهب و فرقه‌های اسلامی ارتباط خود را با نگرشی بر محوریت دوراندیشی و چشم‌انداز روشنی از آینده جهان بشری، بر مبنای مشترکات همه‌جانبه یکدیگر تنظیم کنند، شاهد بلوغ سیاسی و رشد اخلاقی و معنوی و پیشرفت‌های اعجاب‌انگیز، در کشورهای اسلامی خواهیم بود. مؤلان جهان اسلام، سازمان کنفرانس اسلامی و سایر

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹، ص ۳۲۴

اتحادیه های مسلمان، متفکران جهان اسلام به ویژه علما و اندیشمندان شیعه و اهل سنت باید با همفکری و همگرایی در جهت حفظ انسجام اسلامی که عامل مهم اقتدار هر چه بیشتر امت اسلامی است بکوشند و در جهت خشی سازی توطئه ها علیه جهان اسلام تدابیر و برنامه های لازم را طراحی و عملیاتی نمایند.

## مقدمه

### جغرافیای سیاسی اسلام

مجموع مساحت جهان اسلام نزدیک به ۲۳ میلیون کیلومتر مربع است که این مساحت، معادل یک چهارم کل خشکی موجود در جهان (۱۴۹ کیلومتر مربع) می باشد، بیش از یک چهارم جمعیت بشر یعنی بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر مسلمانند. کشورهای اسلامی بیش از دو سوّم منابع نفتی و یک چهارم منابع گازی و یک دهم منابع آهن و بسیاری از معادن دیگر همچون طلا و مس جهان را با نسبت های متفاوتی در اختیار دارند. طبق گفته دانشمندان، موقعیت جغرافیایی جهان اسلام در کره زمین به مثابه قلب جهان است و منابع انسانی موجود در جهان اسلام نزدیک به یک چهارم جمعیت جهان است. همه این منابع، جهان اسلام را به یک نیروی دارای توان رقابت با سازمان ها و اتحادیه های اقتصادی بزرگ جهان تبدیل کرده است. مرزهای فرهنگی دنیای اسلام نیز بخش وسیعی از جهان را در بر گرفته است، از سوی دیگر، سازمان کنفرانس اسلامی بعد از سازمان ملل و سازمان کشورهای غیر متعهد، با عضویت ۵۷ کشور اسلامی بزرگ ترین سازمان بین المللی است. از نظر استراتژیک هم جهان اسلام در حیاتی ترین نقطه کره زمین؛ یعنی مرکز خشکی های زمین و تلاقی راه های خشکی و دریایی قرار گرفته است. علاوه بر این، کشور های اسلامی از تونس در غربی ترین نقطه شمال آفریقا تا اندونزی در جنوب شرق آسیا و از قرقیزستان و قزاقستان در شمال آسیا تا زنگبار در جنوب شرق آفریقا مجموعه ای به هم پیوسته است<sup>۱</sup> در این میان هیچ کشور غیراسلامی به جز کشور کوچک و ساختگی اسرائیل وجود ندارد. از نظر تاریخی هم در حدود بیش از ۱۳ قرن این مجموعه سرزمین ها و ملت ها با سابقه تمدنی کهن و پویا و اعجاب انگیز برای غربی ها یک امت واحد بوده اند. بنابراین از نظر جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و دینی، ضرورت همگرایی جهان اسلام حقیقتی است غیرقابل انکار، ولی در حال حاضر کشورهای اسلامی از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی آموزشی علاوه بر عقب ماندگی، در گسستگی بسیاری از همدیگر قرار گرفته اند. وابستگی سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی اغلب کشورهای اسلامی به کشورهای استعماری و امپریالیستی بیش از همبستگی در بین کشورهای اسلامی است.

آری! بسیار شگفت آور است که مسلمانان در صدر اسلام با دست خالی اما با تمسک و چنگ زدن به ریسمان الهی و اطاعت از قرآن و پیامبر ۹ و انسجام و همدلی توانستند بر قوای دو امپراطور بزرگ ایران و روم غلبه نمایند، ولی

۱- عزیزی، عزت الله، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، فصل هشتم و نهم.

امروز با داشتن این همه امکانات هر روز قطعه‌ای از پیکر کشورهای اسلامی با یورش دژخیمی از تن جدا می‌شود. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این باره بیان می‌دارند که:

«هم‌اکنون بیش از یک میلیارد نفر مسلمان در نقاط مختلف عالم زندگی می‌کنند که نقطه‌ی تراکم آنها، همین منطقه بین شرق و غرب است که از لحاظ استراتژیکی و موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی و آب و هوایی، حساس‌ترین مناطق عالم دست اینهاست. قدیمترین تمدنها و عمیقترین فرهنگها، در همین منطقه‌ی بوده که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند. آن وقتی که دیگر مردم در وحشیگری بودند، همین مردم مسلمان بودند که دنیا را با علم و معرفتشان اداره می‌کردند. مسلمانان، جمعیتی متشکل و منسجم هستند، کشورهايشان نزدیک به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقارند و در تمام نقاط دنیا کسانی را از خود دارند که همه آنها مسلمانند. ما می‌گوییم: ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر با هم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد. امروز، دچار تشتت و ضعف و عقب‌ماندگی هستید. کشورهای اسلامی - غالباً یا عموماً - فقیر و وابسته و اسیرند. دشمنان اسلام می‌خواهند اسلام را از میان کشورهای اسلامی بزور بیرون برانند. قلب آحاد مردم مسلمان، با اسلام و خداست. آنها به اسلام علاقه‌مندند. سیاستها و قدرتهای بزرگ جهانی سعی می‌کنند به وسیله دولتهای دست‌نشانده، مردم را از اسلام دور نمایند. اگر شما با هم باشید و با هم دعوا نکنید و نیروی خود را - که عنصر عظیمی است و برای بهتر کردن دین و دنیاتان، می‌شود از آن استفاده کنید - علیه یکدیگر مصرف نکنید، اهداف پلید دشمن محقق نخواهد شد.»<sup>۱</sup>

از این‌رو؛ ایجاب می‌نماید یک بار دیگر با بازخوانی سیر تاریخی وقایع جهان اسلام از صدر تاکنون، عوامل وانگرای و همگرایی امت اسلامی را مطالعه کرده و نقاط ضعف و قوت را دریابیم و در تقویت عوامل همگرایی امت‌ها و دولت‌های اسلامی بکوشیم.

### عوامل همگرایی جهان اسلام

دانشمندان و جامعه‌شناسان برای ایجاد انسجام و همگرایی در جامعه عواملی را مانند زبان، ملیت، جغرافیا، فرهنگ و... مطرح کرده‌اند؛ ولی اسلام، گرچه این عناصر را نادیده نگرفته اما این عوامل، عناصر اصلی و اصیل نیستند، بلکه عواملی ظاهری و صوری‌اند و گواه متقن این ادعا، همانا جنگ‌های داخلی و قومی جوامع مسلمانان است. شهید مطهری، می‌فرماید:

۱ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه‌شناسان مختلف مردم به مناسبت هفته وحدت - ۱۳۶۸/۷/۱۹

«بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان. این دانشمندان می‌گویند؛ مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد، مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ۶ ایمان و اذعان دارند، کتاب همه، قرآن و قبله همه کعبه است، باهم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند. و جز در اموری جزئی، در این کارها باهم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در پیش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و حائل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیب‌شان گشته استفاده نکنند؟! از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. هم‌چنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین، بحث و استدلال نکنند و کتاب نویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر، ایجاب می‌کند، این است که مسلمین برای این که احساسات کینه‌توزی در میان‌شان پیدا نشود، یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند، و بالاخره، عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند. (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)»<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب بالا و تتبع در قرآن و روایات، می‌توان عوامل و محورهای اتحاد و همگرایی در بین امت اسلامی را این گونه بیان نمود:

۱- نحل: ۱۲۵

۲- مطهری، مرتضی، شش مقاله، صص ۴-۵

## ۱- نقش شریعت و دینمداری در همگرایی

دین مبین اسلام بلکه تمام ادیان توحیدی همان اصل وحدت بخش است و زمینه‌ی اشتراکات و همگرایی امت را فراهم می‌سازد که اگر نباشد اختلافات فردی، جامعه را از هم می‌پاشد. دین به انسان‌ها اجازه می‌دهد که افراد، بر تمایلات خودخواهانه فائق آیند و به خاطر عشق به هموطنان‌شان، فراتر از خودخواهی عمل کنند و این (دین) همان شیرازه‌ی نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک، به همدیگر پیوند می‌دهد. دین؛ سنگ بنای سامان اجتماعی است. از آن‌رو که اسلام، کامل‌ترین دین برای هدایت بشریت است،<sup>۱</sup> روشن است که بهترین معیارها و محورها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امتش پیشنهاد می‌دهد، بلکه فراتر از این، پیامبر اسلام ۹ همه اهل کتاب و ادیان توحیدی را به اتحاد کلمه و انسجام جهانی علیه کفر و استکبار فرا می‌خواندند.<sup>۲</sup> قرآن کریم، برای آن که اثر شگفت‌انگیز و معجزه‌آسای دین اسلام را در ایجاد انسجام و همگرایی مسلمانان بیان کند، مسلمانان را به یاد وضعیت سیاسی-اجتماعی‌ای که پیش از اسلام داشتند تذکر داده و می‌فرماید:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...)<sup>۳</sup>

و همگی به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکنده نشوید مگر شما همان مردمی نبودید که باهم دشمن بودید و میان طوائف و قبائل‌تان همیشه جنگ‌های خونین برپا بود و به یکدیگر بر سر موضوعات پوچی مثل نژاد، جمعیت، قبیله، ثروت و غیر این‌ها فخر می‌فروختید، این خدا بود که نعمت دین اسلام را به شما عطا فرمود و دل‌های همه شما را مثل براده‌های آهن به سوی آهن‌ربای پر قدرت الهی (اسلام ناب محمدی ۹) جذب کرد و میان شما الفت و محبت و برادری و برابری برقرار نمود و به سبب دین اسلام شما را یک پارچه کرد و با سلاح دین بر جهان کفر و استکبار فائق آمدید.<sup>۴</sup>

از این روست که امیرمؤمنان علی ۷ در نکوهش کوفیان که به یاری محمد بن ابی‌بکر در مصر نشناختند، می‌گوید:

«... أَمَا دِينَ يُجْمَعُكُمْ وَلَا حَمِيَّةَ تَشْحَدُكُمْ...»<sup>۵</sup>

آیا دینی که شما را جمع و متحد سازد نیست؟ آیا غیرتی نیست که شما را به تلاش اندازد؟!

۱- مائده: ۳

۲- آل عمران: ۶۴- (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا)

۳- آل عمران: ۱۰۳

۴- ترجمه‌ی روان، نیز رک: انفال: ۶۳.

۵- نهج البلاغه، خ ۱۸۰، ص ۳۴۳، ترجمه محمد دشتی.

این گفتار، بدان اشاره دارد که از ذاتیات دین اسلام، انسجام بخشیدن و همگرایی نمودن پذیرفتگان آن است، پس شما کوفیان دین را عقیده قلبی دارید و لکن دین مدار نیستید.

علامه محمدتقی جعفری<sup>۱</sup>، منشأ حقیقی اتحاد و انسجام و همگرایی امت اسلامی را «دین» دانسته و می‌نویسد: «آنچه می‌تواند حیات انسانی را در این جهان هستی، دارای فلسفه و هدف قابل قبول نماید **دین** است، اصول و مبادی کلی که متن دین الهی را تشکیل می‌دهند، همواره در طول تاریخ متحد بوده‌اند، بنابراین مبنای وحدت امت اسلامی همان دین فطری انسانی است.»<sup>۱</sup>

دین مقدس اسلام که بر مبنای گزاره‌ها و قضایای عقلانی استوار است، با توجه به رسالت خطیر جهانی مسلمین و با عنایت به انبوه دشمنان و مخالفان ایشان، اساس جامعه اسلامی را بر بنیان مستحکم و استوار انسجام و یکپارچگی و هم‌اندیشی امت بنا نهاده و تمام مسلمانان را به عنوان یک امت می‌خواند. همبستگی و همگرایی عامل پیوند قلوب آحاد مسلمانان است که - علیرغم داشتن علائق‌ها، سلیق‌ها، زبان و نژادهای مختلف - جهان اسلام را به یکدیگر متصل می‌کند و در اسلام محور این همگرایی، دین و ارزش‌های دین است. بنابراین شریعت اسلام به‌عنوان مجموعه قوانین الهی که برای هدایت بشریت از سوی خداوند بر پیامبر خاتم<sup>۹</sup> نازل شده یکی از عوامل مهم همبستگی و همگرایی امت و جهان اسلام است.

پرسشی در اینجا مطرح می‌شود که: اصولاً دین اسلام چگونه مایه‌ی وحدت و همبستگی مسلمانان سراسر دنیا است؟

### سه احتمال قابل بررسی است:

**الف)** آن که دین همه را به همگرایی فرا خوانده و بهره‌گیری از دستورات دین عامل اتحاد کشورهای مسلمان است.

**ب)** آن که هر گاه دشمنان، اسلام را نشانه گرفتند و مقدسات آن‌را زیر سؤال بردند مسلمانان سراسر جهان متحد شده و از مقدسات دفاع و پاسداری کنند.

**ج)** آن که داشتن دین واحد، عامل وحدت است.

بنابر هر سه احتمال **دین**، محور وحدت و همگرایی است. بنا به گفته‌ی مفسران، (جبل الله) در آیه وحدت و همگرایی **(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...)**<sup>۲</sup> به کامل‌ترین مصداق آن یعنی «اسلام» تفسیر شده است.<sup>۳</sup> نقش اساسی دین اسلام در ایجاد اخوت و همگرایی میان نخبگان، رهبران و دولت‌مردان مسلمانان به قدری بر دشمنان و

۱- موقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۱۲ و ۲۰.

۲- آل‌عمران: ۱۰۳.

۳- مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۳۶۵؛ روح‌البیان، ج ۲، ص ۷۲.



استعمارگران، مهم و گران است که برای نفوذ خود به کشورهای اسلامی بیشترین سعی خود را جهت تضعیف دین اسلام به کار گرفته‌اند.

گاهی با حربه ناکارآمدی دین در عرصه اداره جامعه و سعادت دنیوی بشر و تقابل آن با علم و صنعت، گاهی با تز جدایی دین از سیاست و حکومتداری (سکولاریزم)، گاهی با معرفی دین به عنوان «افیون ملت‌ها»

و گاهی با القاء این تفکر خطرناک که دین، علل عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمین، بوده است، به جنگ روانی - تبلیغاتی و رسانه‌ای با دین برخاسته‌اند، اما غافل از این که وعده پیروزی و جهانی شدن دین اسلام را شارع مقدس بیان کرده‌اند که **(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)**<sup>۱</sup> و **(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)**<sup>۲</sup> **(فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ)**<sup>۳</sup>.

## ۲- توحید

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل همگرایی در جوامع اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیت و یگانگی خداوند است.<sup>۴</sup> یکتاپرستی و توجه به پروردگار واحد، شرک دینی را که پرستش غیر اوست از بین می‌برد؛ چنان که شرک اجتماعی که حکومت غیر خدا - بالاستقلال نه بالاذن - و تبعیت از غیر خداست نیز به وسیله یکتاپرستی از میان رخت می‌بندد. اصل توحید، همان ایمان به خداوند است که قلب‌های مؤمنان را به هم مهربان و همسو می‌کند به گونه‌ای که گویا همه آن‌ها روح واحد دارند. قرآن کریم، مرزهای جغرافیایی، نژادی، قومی، ملیتی و ... را لغو نموده و تنها ایمان به خداوند را که همان یکتانگاری است، به عنوان مرز عقیدتی‌ای که نماد اتحاد و انسجام ملل می‌باشد، بیان نموده است: **(أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...)**<sup>۵</sup>

امام خمینی؛ منادی وحدت امت اسلامی، همواره همه اقشار جامعه اعم از شیعه و سنی، کرد، لر، ترک، بلوچ، فارس و عشایر با قومیت‌های مختلف را به وحدت کلمه زیر پرچم توحید فرا می‌خواندند و می‌فرمود:

«مسلمانان در مذاهب گوناگون دشمنان مشترک دارند، آنان در عین آزادی عقیده و بیان و آزادی در انتخاب مذهب براساس عقل و منطق، همه در زیر پرچم توحید و رسالت محمد<sup>۹</sup> هم‌عقیده‌اند و آیین مقدس اسلام در

۱- آل عمران : ۱۹

۲- توبه: ۳۳

۳- غافر : ۵۵

۴- آل عمران: ۶۳؛ انبیاء: ۹۲

۵- حجرات: ۱۰

جهان دشمنان بسیار دارد، مسلمانان باید برای حفظ اسلام و دست‌آوردهای آن در برابر دشمنان در یک صف باشند و با اتحاد ملی و انسجام مکتبی از کیان و عظمت خود نگهبانی کنند. پر واضح است که اگر آن‌ها در داخل جمعیت خود به صورت گروه‌های پراکنده در آیند دشمن استعمارگر از تفرقه‌ی آن‌ها سوء استفاده کرده و به آن‌ها آسیب شدید می‌رساند. به عنوان مثال اگر مسلمانان در برابر اسرائیل که دشمن شناخته شده و خون‌خوار اسلام و مسلمین است یکپارچه و متحد باشند، هرگز این مولود نامشروع آمریکا نمی‌تواند به غضب و تجاوز خود ادامه دهد.<sup>۱</sup>

پس می‌توان نتیجه گرفت که یکتانگاری معرفتی، منجر به هم‌اندیشی و هم‌سان‌سازی رویه‌های فکری، عقیدتی و رفتاری خواهد شد، و همین امر علیرغم پذیرش تنوعات سلیقگی و ذهنی بستر را برای همگرایی کل‌نگرانه با اتکاً به «توحید» فراهم می‌آورد.

### ۳- نبوت

یکی از عوامل همگرایی و هم‌اندیشی امت اسلامی، می‌تواند ایمان به پیامبر اکرم ۹ و نام مقدس و یاد آن حضرت باشد. وجود نبی مکرم اسلام ۹، بزرگ‌ترین مایه وحدت و انسجام، در همه ادوار اسلامی بوده و امروز هم می‌تواند باشد؛ زیرا اعتقاد مسلمانان به حضرتش با چاشنی عاطفه و عشق آحاد مردم مسلمان به آن وجود اقدس توأم است. از این رو، نبوت پیامبر اعظم ۶ مرکز و محور عواطف و عقاید همه مسلمانان است و همین، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمانان و نیز دیگر فرق اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید. در مجموعه دین هیچ نقطه دیگری وجود ندارد که این‌طور از همه‌ی جهات عقلی، عاطفی، روحی، معنوی و اخلاقی مورد قبول، توافق و تفاهم همه فرق و آحاد مسلمانان باشد. اگر چه قرآن، کعبه، عقاید و فرائض مشترکات جهان اسلامند، اما هر کدام از این‌ها یک بعد از شخصیت انسان را به خود متوجه می‌کند. ولی آن‌چه که همه مسلمانان بر روی آن از لحاظ فکر و اعتقاد و مهم‌تر از آن از لحاظ عاطفی و احساس، تفاهم و اشتراک بر آن دارند، وجود مقدس پیامبر خاتم ۹ است.

در صدر اسلام نیز، مسلمانان همچون پروانه دور شمع وجود آن حضرت می‌گشتند و وجود پیامبر ۹ مسلمانان را مانند دانه‌های تسیح به هم پیوند می‌داد. مسلمانان صدر اسلام، آن‌چنان پیامبر ۶ را دوست می‌داشتند که در جنگ‌ها برای حفظ جان آن حضرت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. دشمنان اسلام از وجود پیامبر ۶ به عنوان مهره اتحاد و عامل همبستگی مسلمانان وحشت داشتند؛ از این رو در جنگ احد برای ایجاد شکاف و اختلاف میان مسلمانان و جبهه اسلام، شایعه کردند که پیامبر ۶ کشته شده است. در عصر حاضر نیز دشمن در تهاجم و توطئه فرهنگی بر علیه اسلام، یکی از محورهایی را که در دستور کار خویش قرار داده، اهانت به این رکن رکین اسلام است.

۱- موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی قدس سره)، صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۲ و ۴۶.

اهانت سلمان رشدی مرتد، کشیدن کاریکاتور در روزنامه‌ی دانمارکی و... در اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام ۹، بیانگر همین واقعیت است. اما خشم و موضع‌گیری یک‌پارچه جهان اسلام نشان داد که مسلمانان نمی‌توانند اهانت به حضرتش را تحمل کنند. بنابراین باید، این نقطه مرکزی و قطب محوری را بیش از پیش بزرگ شمرده و از تمام ابعاد، تمرکز به آن را تشدید و تقویت کرد.

گرچه اختلاف در مسئله روز میلاد پیامبر ۹ - که بدین جهت از دوازدهم ربیع الاول تا هفدهم این ماه را هفته وحدت مسلمانان نامیدند - از موارد اختلافات بسیار جزئی پیرامون این شخصیت عظیم وحدت‌محور است و شاید این مسئله به نوعی هماهنگی و انسجام بهتر مسلمانان را بهم بزند، لکن اگر در دنیای اسلام حتی نسبت به این مسئله تاریخی که چندان جنبه عقیدتی ندارد یک مرجع و مجمعی به وجود بیاید تا در این باره بررسی کند و قراین و شواهد و مدارک تاریخی را مورد بررسی و تحقیق قرار دهد و در این باره قضاوت نماید و بالاخره یک طرف را که احتمال حق بودنش قوی‌تر است بگیرد و در نتیجه یک روز را تمام مسلمین بالخصوص، به نام پیامبر اکرم ۹ جشن و میلاد داشته باشند. خیلی بهتر و با شکوه‌تر است. این‌گونه قدم‌های مثبت که می‌توان آن را در مورد قصه تلخ رؤیت هلال اول ماه رمضان و روز عید فطر و حتی عید سعید قربان به کار گرفت، آثار عملی مهمی را می‌تواند در انسجام بخشیدن به همگرایی جهان اسلام داشته باشد.

در گذشته از وسایل ارتباطی و رسانه‌ای جدید هم چون رادیو، تلویزیون، مطبوعات، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سایبری، رایانامه (ایمیل) و... خبری نبوده و هر کس بی‌خبر از جاها و شهرهای دیگر به وظیفه شرعی‌اش عمل می‌کرد، اما امروز که همه مسلمین مایل‌اند در مورد روز اول ماه مبارک رمضان، روز عید فطر و نماز وحدت‌بخش آن و غیره هماهنگ حرکت کنند، این‌گونه اختلافات می‌تواند آسیب و ضرر برای همگرایی جهان اسلام و بهانه‌ای برای توطئه و اختلاف توسط دشمنان اسلام باشد.

در مورد فریضه وحدت‌بخش حج نیز وضعیتی به همین صورت است و اختلاف در تعیین اول ماه مشکل‌ساز است. به جای این که ما از این مناسبت‌ها بیشترین استفاده را ببریم، گاهی متفرق و متضرر می‌گردیم و دعوای و اختلافات تجدید می‌شوند. اگر شک نداریم که جهان اسلام همواره به پیامبر مکرم ۹ عشق می‌ورزند و حضرتش را از فرزندان و نوامیس خود بیشتر دوست دارند (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)<sup>۱</sup> آن حضرت ۶ پدر امت<sup>۲</sup> و نبی رحمت<sup>۳</sup> و سراپا رأفت و مهربانی<sup>۴</sup> است، در این صورت اگر در خانواده‌ای، فرزندان و أخلاف بزرگ خانواده

۱- احزاب: ۶

۲- کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۱- انا و علی ابوا هذه الامة.

۳- انبیاء: ۱۰۷ (و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین).

۴- توبه: ۱۲۸

باهم اختلاف و نزاع کنند، بی گمان ملالت و غبار غم را بر قلب بزرگ خاندان نشانده و روح آن را آزرده‌اند. با توجه به این تمثیلات باید گفت که آیا هم‌اکنون وقت آن نرسیده که مسلمانان با فشردن دست یکدیگر و قلوب پیوسته و امت واحده شدن در برابر اجتماع اتحادیه اروپا و استکبار علیه جهان اسلام، خاطر و قلب وجود پیامبری - که خداوند تنها به خاطر ارسال و انزال این نعمت عظیم بی‌پایان بر مسلمانان و مؤمنان منت می‌نهد و می‌فرماید: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)<sup>۱</sup> - و او خود، نسبت به امت اسلام دلسوزتر و مهربان‌تر است: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ)<sup>۲</sup> و در طول رسالت خویش آن‌قدر برای تعالی جامعه اسلامی و جهانی‌سازی اسلام کوشید که خداوند فرمود: (طه) \* مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى)<sup>۳</sup> - را شادمان سازند؟! پیامبر اسلام ۶ مکرر از زبان قرآن خطاب به جامعه اسلامی می‌فرمود: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)<sup>۴</sup> و چه زیباست بدانیم که برخی از مفسران در تفسیر تبیین مصداق «حبل الله» گفته‌اند:

مقصود از «حبل الله» پیامبر ۶ است. این سخن، کلام حقی است؛ زیرا خداوند دستور می‌دهد:

(وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ)<sup>۵</sup>

و از خدا و فرستاده او (در فرامین مولوی آنها) فرمان برید و باهم نزاع و ستیزه نکنید که سست و بیمناک می‌گردید و تسلط و حکومت‌تان از بین می‌رود.

پیامبر ۶ در روایتی جهان اسلام را هشدار می‌دهند که:

(مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا عَلَى حَقِّهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ)<sup>۶</sup>

و نیز فرمود:

(لَا تَخْتَلَفُوا فَاِنْ مِنْ كَانِ قَبْلِكُمْ اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا)<sup>۷</sup>

۱- آل عمران: ۱۶۴

۲- توبه: ۱۲۸

۳- طه: ۱-۲

۴- آل عمران: ۱۰۳

۵- انفال: ۴۶

۶- کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۴، حدیث ۹۲۹.

۷- همان، ص ۷۷، ج ۴، ص ۸۹.

از منظر پیامبر اکرم ۹ که خود در جهت همگرایی نقش بسیار مهمی دارند، هیچ عاملی نباید اتحاد و همبستگی امت اسلامی را خدشه‌دار کند و لذا باید با هر آنچه که باعث تفرقه و سستی اعتقادات و دین می‌شود مبارزه کرد حتی اگر به قیمت تخریب مسجد ضرار<sup>۱</sup> بیانجامد که کفار و منافقین با همدستی یهودیان در پوشش دین و ساخت مسجد، علیه دین و مسجد برخاسته بودند. این حرکت پیامبر اکرم ۹ نشان از اهتمام جدی آن حضرت به وحدت امت اسلامی دارد.

بنابراین وجود پیامبر ۹ و سیره و سیرت ایشان عامل پیوند اجتماعی و انسجام اسلامی است که آحاد افراد جامعه مسلمین را علیرغم داشتن علاقه‌ها، سلیقه‌ها و نیازهای متفاوت به یکدیگر متصل می‌کند.

این‌جا پرسشی اساسی مطرح می‌گردد و آن این است که: ما نیز معتقدیم که همه مسلمانان وجود پیامبر ۹ را قبول دارند اما در رویکرد برون دینی، هر فرقه از فرق گوناگون مسلمانان (۷۳ فرقه) برای اثبات عقیده و ایدئولوژی خویش به بخشی یا لایه‌ای از سیره پیامبر اسلام ۹ تمسک می‌کنند، در این صورت راه حل این مشکل چیست؟ و با این فرض چگونه وجود پیامبر ۹ می‌تواند یکی از عوامل اصلی همگرایی جهان اسلام بوده باشد؟ در پاسخ به این سؤال مطرح شده، به اجمال می‌گوییم:

**اولاً:** ملاحظه می‌شود که حتی علیرغم وجود متن مشترک و ریشه‌های مشترک ادیان توحیدی، مواردی از اختلاف بین ادیان به‌ظهور رسیده است.

**ثانیاً:** همان‌گونه که در آینده به تفصیل خواهیم گفت، اختلاف نظر و برداشت‌های متفاوت، یک پدیده ضروری در مسائل نظری است که از آن به «**اختلاف معقول**» یاد می‌کنیم. با این حال، همواره تعدادی از اصول کلی در مسائل نظری چه در قلمرو علوم و چه در فلسفه، اخلاقیات، حقوق، اقتصاد و سیاست و چه در هنر و ادبیات و غیر این‌ها مورد اتفاق همه صاحب‌نظران قرار می‌گیرند. اگر اختلاف نظرها در تفسیر و تطبیق آن اصول کلی دور از غرض‌ورزی‌ها و بازیگری‌های تصنعی باشد، نه تنها هیچ‌گونه ضرری براتفاق نظر در آن اصول کلی مشترک وارد نمی‌آورد، بلکه موجب دقت و گسترش بیشتر در معارف مربوط و برخورداری بهتر از آن اصول کلی می‌گردد. تاریخ اسلام، در همه مسائل نظری شاهد اختلاف آراء و عقاید بوده است و این اختلافات، تا آن‌جا که به اصول کلی مشترک اِخْلَالی وارد نیاورده، رایج و مورد استقبال بوده است و حتی به عنوان یک امر ضروری تلقی شده است، حتی در اصول کلی مشترک؛ مثل توحید، نبوت، رهبری بعد از پیامبر ۹، معاد، صفات خداوند و قرآن نیز مباحث نظری فراوان مطرح شده و نه تنها اغلب موجب آن نشده که متفکران اسلامی یکدیگر را تکفیر کنند، بلکه عامل گسترش و عمق معارف حکمی و کلامی نیز گشته است، اما اختلاف نظر در فروع مورد اتفاق، مانند نماز،

روزه، حج، جهاد، ابواب گوناگون اقتصاد و کیفرها (حدود و دیات) و غیر آن، که بسیار فراوان و رایج‌اند، بدیهی‌تر از آن است که نیازی به بحث و تحقیق داشته باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴- کتاب مقدس

قرآن کریم؛ نور هدایت، مایه نجات و صلاح و اصلاح جوامع بشری و معجزه جاوید پیامبر اسلام ۹ یکی دیگر از عوامل مهم همگرایی و اتحاد اسلامی است. گرچه برخی از اندیشمندان و مفسران، در تفسیر جزئی برخی از آیات، اختلاف نظر و اختلاف داشته و برداشت‌های متفاوت نه متضاد، دارند، اما اصل وجود قرآن به عنوان کتاب واحد، مورد قبول و اتفاق جهان اسلام و مسلمین بوده و خود محور و عامل هم‌اندیشی و همگرایی آنان است. در قرآن کریم، نیز از این کتاب الهی به عنوان عامل وحدت یاد شده است. چنان‌که در برخی از تفاسیر، مانند تفسیر «المیزان»<sup>۲</sup>، «تفسیر ابن کثیر»<sup>۳</sup> و «تفسیر الکبیر»<sup>۴</sup> مقصود (یعنی یکی از مصادیق مهم و روشن) از «حبل الله» در آیه **(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)**<sup>۵</sup> به خود «قرآن» تفسیر شده است که بر این اساس، این آیه به صراحت چنگ زدن به معارف و دستورالعمل‌های قرآن را عامل اتحاد و انسجام مسلمانان دانسته است. بر همین اساس، پیامبر اکرم ۹ از قرآن و عترت به عنوان دو امانت گران‌بهای به یادگار از خویش که باید عامل اتحاد و انسجام و موجب پیروزی جهان اسلام باشند، یاد کرده است.<sup>۶</sup>

امام خمینی ۱ در بیانی فرمودند:

«... و اساس این مطلب چه هست؟ اساس این مطلب همین است که اینها که می‌خواهند استفاده بکنند از شما و مملکت شما، استعمار کنند شما را و مملکت شما را هم هر چه دارد ببرند؛ باید آن چیزهایی که احتمال می‌دهند که مانع باشد از این غارتگری، اینها را از جلو بردارند که آزادانه بتوانند یک کاری را که می‌خواهند انجام بدهند. چه بکنند؟ این مانع یا احتمال مانعیت در چه هست؟ یکی در اسلام است، خود اسلام، یا دین. نه اینکه اینها همین طوری خودشان گفتند؛ اینها مطالعات کردند و روی مطالعات، این مسائل را می‌گویند، طرح می‌کنند. اینها متن قرآن را مطالعه کرده‌اند، اسلام را هم مطالعه کرده‌اند و فهمیده‌اند که قرآن یک کتابی است که اگر مسلمانها به آن اتصال پیدا کنند تودهنی می‌زند به این اقوامی که می‌خواهند بیابند سلطه پیدا کنند بر مسلمین. قرآن می‌گوید هر

۱- مقدمه استراتژی وحدت در اندیشه‌های سیاسی اسلام (تلخیص و اقتباس)، ج ۱، ص ۲۶.

۲- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳- تفسیر ابن کثیر، ج ۸، ص ۳۹۷.

۴- تفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۱۲۷.

۵- آل عمران: ۱۰۳

۶- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۷.

گز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مُسَلِّم بر مُسَلِّم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) <sup>۱</sup> اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین؛ و این قدرتهای فاسده راه نباید داشته باشند بر مسلمین. اینها مطالعه کردند، دیدند که وضع قرآن و اسلام و متون اسلام چه است که اگر این متون را مسلمین بر آن اطلاع پیدا کنند و اتصال پیدا کنند مسلمین بر قرآن و متشبه بشوند به قرآن و اسلام، فاتحه این غارتگریها و این سلطه‌جوییها را می‌خوانند...» <sup>۲</sup>

«ویلیام گلاستون»، نخست‌وزیر سابق انگلیس در سال‌های میانی قرن نوزدهم در مجلس عوام انگلیس گفته بود: تا زمانی که مسلمانان از قرآن پیروی می‌کنند، سیاست خارجی ما پیروزی چشمگیری ندارد و باید کتاب قرآن را که وسیله وحدت مسلمین است از آنان بگیریم.

از دیگر دلایلی که محوریت و عاملیت برای همگرایی مسلمانان اثبات می‌کند این است که، هرگاه قرآن و آیات معارف بلند آن از سوی دشمنان تهدید شود، یا به ساحت مقدس آن کوچک‌ترین تعرض و اهانتی گردد، همه مسلمانان یکپارچه و با جان و مال و تظاهرات جهانی از آن دفاع و پاسداری می‌کنند. از سوی دیگر، قرآن علاوه بر آن که خود محور انسجام مسلمانان است، همواره آنان را به همگرایی در تحقق آرمان‌ها، توانمندی‌ها و شایستگی‌های قدرت جهان اسلام به عنوان برترین و کامل‌ترین دین الهی فراخوانده است که این دعوت، نقش بنیادی در همبستگی و وحدت‌گرایی دارد. وحدت و یکپارچگی مسلمانان و لزوم اتفاق و اتحاد کلمه میان ایشان از اصول و تعالیم فرهنگ قرآنی است. در آیات متعددی از این کتاب روشنگر، ضرورت وحدت و همگرایی دنیای اسلام را یادآور شده و با واژگان مختلفی توصیه و تأکید شده است؛ برخی از این واژگان عبارتند از: **واعتصموا<sup>۳</sup>، امه واحده<sup>۴</sup>، اخوه<sup>۵</sup>، آلف بین قلوبکم<sup>۶</sup>، امه وسطا<sup>۷</sup>، رابطوا<sup>۸</sup>، تعاونوا<sup>۹</sup>، موده و رحمة<sup>۱۰</sup> و...**

۱- نساء: ۱۴۱

۲- صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۷

۳- آل عمران: ۱۰۳

۴- یونس: ۱۹

۵- حجرات: ۱۰

۶- آل عمران: ۱۰۳

۷- بقره: ۱۴۳

۸- آل عمران: ۲۰۰

۹- مائده: ۲

۱۰- روم: ۲۱

هم‌چنین در موارد بسیاری با تعابیر متفاوتی به نفی و نهی از عوامل اختلاف و تفرقه پرداخته است و با بیان علل و اسباب اختلاف و جدایی مسلمانان را به انسجام و یکپارچگی دعوت کرده نموده که در جهت نفی و نهی از پراکندگی و تفرقه میان مسلمانان به تعابیری چون: **لَانْفِرُقْ اِرْقُوا<sup>۱</sup>، لَاتَنَازِعُوا<sup>۲</sup>، اِخْتَلَفُوا<sup>۳</sup>، تَقَطَّعُوا<sup>۴</sup>، لَاتَفْسُدُوا<sup>۵</sup>، اِحْزَاب<sup>۶</sup>، شِيعَا<sup>۷</sup>**، و امثال این‌ها برمی‌خوریم که **جملگی بیانگر اهتمام ویژه اسلام به این امر بسیار مهم استراتژیکی و کلیدی در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی است.** این در حالی است که این کتاب سعادت‌گر جوامع بشری، نه تنها امت اسلامی، که اهل کتاب را به اتحاد و همبستگی بر محور توحید فرا خوانده و آنان را توصیه به اجتناب از تفرقه می‌کند.

قرآن کریم در باب دعوت اهل کتاب به اتحاد، خطاب به پیامبر اکرم ۹ می‌فرماید:

**(قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...)<sup>۹</sup>**

بگو ای اهل کتاب، بیایید به کمک کلمه مشترک میان ما و شما اتفاق داشته باشیم و آن این است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم.

این آیه ضمن بیان ریشه‌ها و علل و اسباب پیدایش عوامل تفرقه‌افکن و جدایی امت‌های خداپرست - که همان اعتقاد و گرایش مبتنی بر کفر و نفاق و عبودیت غیر خدا و اطاعت اله‌ها از قبیله: رنگ، جنس، شعب، ملیت و نژاد که فی‌الجمله از عوامل تفرقه‌اند به آنان اعلان می‌فرماید که همه ادیان الهی در اصل توحید، خود را مشترک می‌دانید، پس ادیان ابراهیمی با اتحاد و همبستگی خویش این اصل مشترک را پاس داشته و در برابر دشمنان خدا و ادیان و مکاتب کاذب نوظهور، امت واحد شوید.

## ۵ - مکه معظمه و همگرایی

مکه مکرمه محل پیدایش دین مبین اسلام و مرکز تجلی حق و یقین، بهترین مکان مقدس روی زمین برای تجمع مسلمین است که خانه خدا در آن قرار دارد و همه ساله مسلمانان در مراسم حج، از مشرق و مغرب و جهان، در

۱- بقره: ۱۲۶

۲- انعام: ۱۵۹

۳- انفال: ۴۶

۴- بقره: ۲۱۳

۵- مؤمنون: ۵۳

۶- اعراف: ۵۶

۷- زخرف: ۶۵؛ احزاب: ۲۲

۸- انعام: ۱۵۹

۹- آل عمران: ۶۴



آنجا حضور می‌یابد. حج؛ محل التقای مسلمانان جهان و با معنویت‌ترین جایگاه برای ایجاد برادری و همدلی میان آنان و مظهر ارتباط و الفت آنهاست. مکه معظمه و فریضه حج، به حق یک فرصت طلایی تاریخی را برای موفقیت یک طرح همکاری و هم‌بستگی میان مسلمانان تشکیل می‌دهد؛ چون در آنجا همه اختلافات قومی، نژادی، ملی، مالی، مذهبی و غیره کاملاً رنگ باخته و ذوب می‌شوند و همه مؤمنان در آنجا در دریای سفید واحدی باهم شنای عبودیت و عشق به کرامت انسانی می‌کنند و در آن موسم هرچه بیشتر می‌توانند در زمینه‌های روحی و عقیدتی، اجتماعی - سیاسی و فقهی - علمی با تضارب و تبادل افکار و اندیشه و گفتگوی مذاهب به هم نزدیک‌تر و هم‌اندیشه‌تر شوند. شاید برای گردآوری این شمار از مسلمانان با این تنوع، در مکان واحدی میلیاردها دلار نیاز داشته باشد تا مسلمانان یکدیگر را ببینند و اعمال واحدی را بدون اختلاف چندان در آن موسم انجام دهند. ما مسلمانان تنها یک اردوگاه سالانه و میلیونی داریم که می‌تواند با تشویق به گفتگمان و هم‌صحبتی، روابط دوستی و تقریب و اتحاد را میان همه ایجاد نماید و منجر به کاهش تشنج و ایجاد کیان بزرگتری میان آنها شود. اهداف اساسی کنفرانس حج، که در آنجا مسلمانان از همه سرزمین‌های جهان گرد هم می‌آیند، آن است که مردم با یکدیگر آشنا شده و اوضاع یکدیگر را جویا شوند و در مسائل سیاسی و اوضاع اجتماعی و فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها و عقیدتی باهم بحث و جدال‌آحسن کنند و مشکلاتی که با آن روبرو هستند به بحث گذارده و برای ارائه راه حل نهایی آن مشکلات، بر پایه منافع اسلامی و امت واحد مسلمین، تلاش جدی از خود نشان دهند. این همان سخن خداوند است که می‌فرماید:

(لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ...)<sup>۱</sup>

تا شاهد منافع ملی و بین‌المللی برای خود باشید.

#### • قبله

حج با آن همه ابعاد گسترده، به تنهایی، آن اصلی نیست که احساس عمیق به وحدت بزرگ اسلامی را ایجاد کند بلکه «قبله» نیز چنین نقشی را ایفا می‌کند، آن گونه که یک مسلمان به هنگام اقامه نماز تصور می‌نماید که او یکی از میلیون‌ها نفری است که به چنین قبله‌ای و به سوی «بیت‌الله الحرام» ایستاده است. گذشتگان با یک جمله کوتاه، وحدت این امت را توصیف کرده‌اند که مسلمانان را «اهل قبله» نامیده‌اند، چون همگی به سوی یک قبله نماز می‌گزارند و این «قبله» نیز اصل مشترک همگان است.

آری! مسلمانان نخستین، حج را وسیله‌ای برای معارفه و بررسی‌های دینی و سیاسی و اجتماعی قرار می‌دادند که این روش، پیروی از پیامبر ۹ و پیشوایان و اصحاب بوده است. پیامبر ۹ در آخرین سفر حج خویش، خطبه وداع را که

۱- حج: ۲

خود منشور امت اسلام است و در آن خلاصه دقیقی از احکام و مسائل اسلامی را بیان نموده اند، در عرفه ایراد کرده است. پیشوایان امت اسلامی نیز خود ریاست کنگره عظیم حج را «امیرالحاج» برعهده می گرفتند. بنابراین شایسته و بایسته است علمای حدیث، فقها و متکلمان فرق و مذاهب اسلامی، نیز از فرصت حج و «کنگره عظیم حج» برای تبادل و تضارب افکار عقیدتی و مبادله روایات و مسائل فقهی و کلامی خویش، بیش از پیش بهره مند شده و از آثار مثبت آن در راه وحدت و همگرایی مسلمانان استفاده ببرند.

## ۶- اختلاف معقول آری؛ تکفیر و تفسیق نه

در مکتب اسلام به پرهیز از اسائه ادب حتی نسبت به خدایان کفار و مشرکان به خاطر بیم از توهین آن‌ها نسبت به اعتقادات و دین ما توصیه شده است. خداوند متعال می فرماید:

**(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)**<sup>۱</sup>

و آن‌ها را که کفار به جای خدا می خوانند (مانند بت‌ها و اجنه) دشنام ندهید که آن‌ها نیز از روی عداوت و نادانی به خداوند دشنام دهند....

اختلاف نظر، یک پدیده ضروری در مسائل نظری و پدیده‌ای طبیعی در مسائل عقیدتی است؛ آن‌گونه که، اختلاف اندیشه در بین صاحب نظران یکی از بدیهی ترین پدیده‌های معرفت پویاست.

این پدیده به قدری شایع است که نمی توان حتی دو متفکر صاحب نظر در یک رشته واحد را پیدا کرد که آن دو در همه تعریفات و مواد و روش استدلال در همان رشته، اتفاق نظر داشته باشند که این همان اختلاف معقول است. آنچه در این میان مهم است، آنکه در چنین اختلافاتی باید با سعه صدر برخورد نمود و هیچ یک دیگری را تکفیر و خارج از اسلام تلقی نکند. با چنین دیدگاه و رویکردی است که مثلاً کتاب «تجريد الاعتقادات» تألیف خواجه نصیرالدین طوسی؛ از بزرگ ترین عالمان شیعه مورد شرح ملاحظی قوشجی از علمای معروف اهل سنت قرار گرفته و کتاب «المحجۀ البیضاء» ملاحظی فیض کاشانی؛ از مشاهیر علمای شیعی در شرح و تحقیق «احیاء العلوم» غزالی از نامی ترین علمای تسنن تألیف و نگاشته شده است.

بنابراین در طریق وصول به وحدت معقول نخستین گام، همانا وسعت یافتن دیدگاه متفکران و شخصیت‌های بزرگ اسلامی است و **عامل اساسی توسعه دیدگاه‌ها، رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصب غیرمنطقی و جزمیت و جمود فکری می باشد.** از آن جا که اختلاف عقیده و تفاوت دیدگاه در غیراصول و ضروریات دینی به ایمان، آسیبی نمی رساند و شخص را از اسلام خارج نمی سازد، فقها و دانشمندان طراز اول جهان اسلام با تأکید بر اصول دین و تکیه بر مشترکات موجود میان مذاهب اسلامی به صراحت اعلام می دارند که

اختلافات فرعی و جزئی موجب کفر یا خروج از دین نمی‌گردد تا مبادا کسی به خود اجازه دهد با حربۀ تفاوت دیدگاه عقیدتی، دیگران را متهم به تکفیر و تفسیق نماید و چه بسا جان و مال و خون او را مباح بشمارد. از این رو با مطالعه و نگاه به آثار اندیشمندان مُصلح مسلمان شیعه و سنی در می‌یابیم که یکی از موانع همگرایی و هم‌اندیشی و برداشتن اختلافات، همانا قصه تلخ تاریخی تکفیر و تفسیق مذهبی، مذهب دیگر را و مسلمانی، مسلمان دیگر را کافر دانستن است.

استاد محمدالسعدی در کتاب «التکفیر فی المیزان القرآن و السنه» می‌گوید:

«تکفیر مردم، آن‌ها را اصلاح نخواهد کرد و مشکلاتشان را حل نمی‌کند و آن‌ها را به راه راست و درست باز نمی‌گرداند، بلکه برعکس، این تکفیر موجب تخریب چهره‌های دین و نفرت مسلمانان و همه‌ی مردم از آن شده و به شیطان کمک می‌کند تا آن‌ها را پس از ناامید کردن فریب دهد».

امام ابوالحسن اشعری بنا به نقل احمدبن زاهر سرخسی، از نزدیک ترین یاران وی، در هنگام وفاتش یاران خود را جمع می‌کند و می‌گوید:

«لما حضرت الوفاءُ أبا الحسن الأشعری فی داری ببغداد أمر بجمع أصحابه ثم قال: اشهدوا علیّ أنّی لا أكفرُ أحداً من أهل القبلة بذنب، لآتی رأیتهم کلهم یثیرون إلی معبود واحد والإسلام یشملهم و یعمهم»<sup>۱</sup>

شاهد باشید بر این که من هیچ یک از اهل قبله را به خاطر گناهی تکفیر نمی‌کنم؛ زیرا همگی آنان به معبود واحد و یگانه‌ای توجّه دارند و اسلام تمامی آن‌ها را در برمی‌گیرد.

شیخ الاسلام مخزومی از امام شافعی همین مضمون را نقل می‌کند.<sup>۲</sup> ابن عیینه نیز می‌گوید:

«اگر درندگان گوشت مرا بخورند برایم گوارتر است از این که با عداوت کسی که به وحدانیت خداوند متعال و نبوت محمد<sup>۹</sup> اعتقاد دارد از بین بروم»<sup>۳</sup>

براین اساس باید از فرهنگ تکفیر و انتساب فسق به دیگران از سر تعصّب در جامعه‌ی اسلامی پرهیز کرد؛ زیرا فرهنگ تکفیر و تفسیق، یک فرهنگ خطرناک و مرموز نفوذی در اندیشه‌ی اسلامی است که می‌توان بدعت‌گذار این تفکر را مربوط به «خوارج نهروان» دانست. برای رسیدن به همگرایی در سطوح خرد یا کلان آن، نیازمند توجه به چهار مؤلفه یا شاخصه‌ای است که در جامعه‌شناسی نظم، تحت عنوان «چهارت» مطرح است که عبارتند از:

۱- البیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۶، مبحث ۵۸

۲- همان، ص ۵۳۲

۳- الفصول المهمة فی تالیف الأمة، ص ۴۴

۱. تفاهم نمادی

۲. تنظیم سیاسی

۳. تنظیم اجتماعی

۴. تعمیم ساختاری

البته باید دانست که برداشتن گام‌های چهارگانه در این حوزه‌ها، جهت وصول به همگرایی در گرو قبول شخصیت متقابل کنشگران توسط یکدیگر است. این احترام به هویت متقابل در قالب گروه‌های مختلف مذهبی در شاخصه‌های ذیل و در دو گروه آرایه‌های شکلی و آرایه‌های محتوایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

**آرایه‌های شکلی** شامل مسائلی چون موارد ذیل می‌گردد:

۱. پرهیز از تکفیر، تفسیق و انتساب بدعت به یکدیگر

۲. پرهیز از مؤاخذه‌ی یکدیگر در لوازم رأی در صورت روشن نبودن ملازمه

۳. پذیرفتن عذر یکدیگر در موارد مختلف

**آرایه‌های محتوایی** را می‌توان مواردی این چنین برشمرد:

۱. آزادی انتخاب مذهب

۲. آزادی پیروان مذاهب در اعمال شخصی

۳. آزادی مذاهب مختلف در بیان نظام‌مند دیدگاه‌های خود

۴. آزادی تعاملات درون‌گروهی و میان‌گروهی مذاهب در صحنه‌ی تعامل با شرایع دیگر و...

### **عدم جواز تکفیر در مسأله خلافت و امامت**

اکنون می‌گوییم: یکی از مواردی که همواره اختلاف برانگیز بوده و در برخی مواقع، افراد یا گروه‌های تند و افراطی از شیعه و سنی، به صورت آگاهانه یا جاهلانه، از روی تعصبات و احساسات غیرمعقول و غیرمنطقی به آن دامن زده و با حرکات ناشایست و ناشیانه خود، آب به آسیاب دشمن ریخته و باعث خسارات جبران ناپذیری بر پیکره اتحاد ملی و انسجام و همگرایی مسلمانان شده‌اند، مسئله خلافت و جانشینی پس از رسول اکرم ۹ بوده است. لازم است بدانیم که اگر بخواهیم دایره آموزه‌های دین مقدس اسلام را تعیین کنیم، در ذیل دو عنوان کلی مسائل «اعتقادی و عملی» می‌گنجد که هر کدام خود زیر عنوان‌های دیگری هم دارند.

\***مسائل اعتقادی** خود به دو بخش ضروری (اصولی) و غیرضروری (فرعی) تقسیم می‌شوند (آن‌گونه که تقسیم مسائل فقهی هم، چنین است) و هر کدام از این‌ها احکام جداگانه دارند که نمی‌توان همه را یکسان دید و یکسان دانست. در کلیت مسائل اعتقادی ضروری یا همان که در لسان متکلمان به **اصول دین** نام گرفته است، جایی برای اختلاف نظر نیست. مرز اسلام و کفر باورمندی به همین امور است؛ ایمان به خدا، معاد، نبوت عامه و خاصه.

بنابر آیات قرآن، خروج از دین و اسلام وقتی است که شخص، آنچه از جانب خدای متعال نازل شده را قبول نداشته باشد:

**(وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)<sup>۱</sup>**

و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم اینانند که کافرند.

لذا خروج از اسلام زمانی صورت می گیرد که مخالفت با یکی از ضروریات دین صورت بگیرد. اما در مسائل اعتقادی غیر ضروری و فرعی مجال اختلاف نظر هست و نمی توان کسی را ملزم به قبول یک تفسیر خاص کرد، در این صورت بر فرض اثبات نادرستی یک تفسیر یا یک برداشت که به صورت روشمند انجام گرفته راهی برای تکفیر وجود ندارد و نمی توان به خاطر بیان نظری که به نظر خطا می رسد، صاحب نظر را تکفیر کرد.

با بیان این مقدمه می توان گفت: **یکی از مسائلی که به اجماع مسلمانان جزء اصول دین نیست مسئله خلافت و امامت است، حتی شیعه که آن را جزء اصول می داند بر آن است که امامت مربوط به اصول مذهب است نه اصول دین.** به عنوان نمونه علامه شریف الدین<sup>۲</sup> در این باره می نویسد:

**«قد اجمع اهل القبلة على انها (مسألة الامامة) ليست من اصول الدين...»<sup>۳</sup>**

آن گونه که عالمان سنی هم چون امام غزالی (م ۵۰۵ ق)<sup>۴</sup>؛ سیف الدین آمدی و تفتازانی این گونه اظهار کرده اند:

**«و اعلم ان الكلام في الامامة ليس من اصول الديانات...<sup>۵</sup> و لا خفاء في ان ذلك (مباحث الامامة) من الاحكام العملية دون الاعتقادية»<sup>۶</sup>**

از میان فقهای برجسته شیعه و اندیشمندان شیعی در قرن بیستم، شخصیت‌هایی نظیر «امام خمینی<sup>۱</sup>» و شهید «محمدباقر صدر<sup>۱</sup>» در منابع فقهی شان به این مسئله پرداخته و انکار مسئله امامت را خروج از اسلام نمی دانند. امام خمینی<sup>۱</sup> می گوید:

**«أنّ الإمامة بالمعنى الذى عند الإمامية، ليست من ضروريات الدين، فإنها عبارة عن امور واضحة بديهية عند جميع طبقات المسلمين، و لعلّ الضرورة عند كثير على خلافها، فضلاً عن كونها ضرورة. نعم هي من اصول المذهب، و منكرها خارج عنه، لا عن الإسلام»<sup>۲</sup>**

۱- مائده: ۴۴

۲- الفصول المهمة في تأليف الامة، ص ۱۵۳.

۳- الاقتصاد في الاعتقاد، تعليق و مقدمه، د. علی بوملحم، ص ۲۵۳

۴- آمدی، سیف الدین، غایة المرام فی علم الکلام، تحقیق و تعليق، حسن محمود عبدالطیف، ص ۳۶۳، قاهره، احیاء التراث الاسلامی،

۵- تفتازانی، شرح المقاصد، تحقیق و تعليق عبدالرحمن عمیر، ج ۵، ص ۲۹۷.

۶- امام خمینی (قدس سره)، کتاب الطهاره، ص ۴۴۱.

امامت به معنایی که نزد امامیه وجود دارد از ضرورت‌های دین نبوده؛ چون «ضرورت‌ها» عبارت از امور واضح و بدیهی از نظر همه طبقات مسلمین می‌باشند و شاید ضرورت از نظر بسیاری برخلاف آن باشد... علاوه بر این که جزو اصول مذهب‌اند و منکر آن از مذهب خروج کرده نه از اسلام. نظیر این سخن را در کلمات شهید صدر<sup>۱</sup>، می‌توان یافت.

## ۷- گفتگو سلاحی برای خلق گفتمان و همگرایی اسلامی

یکی دیگر از عوامل همگرایی، مؤلفه هم‌اندیشی و همگامی مشترک و شناخت فکری و عقیدتی مسلمانان نسبت به یکدیگر است. از آنجا که گویند «تعرف الاشياء بأضدادها»، در این مقال نیز بایسته است عوامل و ریشه‌های واگرایی و تفرقه را شناخت، تا آنگاه با پیاده نمودن و اجرای نقطه عکس آن به همگرایی میان مسلمانان دست یابیم. با این بیان کوتاه می‌توان گفت: یکی از مسائلی که موجب شده است تا میان مسلمانان و به ویژه عالمان و اندیشمندان فرق اسلامی جدایی بیفتد، جریان بی‌اطلاعی آنان از آموزه‌های مذهبی یکدیگر و ناآگاهی آنان نسبت به تعالیم و احکام فقهی و فرعی مذاهب اسلامی است که نتیجه تفسیر و برداشت تحلیلی نادرست از آموزه‌های عقیدتی یکدیگر است. در واقع همین جهل و بی‌خبری مسلمانان و نخبگان فکری از مبانی فقهی - کلامی مذاهب اسلامی، زمینه‌ساز تصورات نادرست، اوهام و بدگمانی‌های فراوانی در میان مسلمانان نسبت به هم‌دیگر شده است. امیر مؤمنان علی<sup>۷</sup> که رفتار سیاسی - اجتماعی‌اش بهترین الگو برای مسلمانان است، با بیانی حکیمانه و دوراندیشانه و سیره عملی خویش در مدت ۲۵ سکوت مظلومانه‌اش، به جهان اسلام و بلکه به عالم انسانیت آموخت که در صورت اختلاف نظر، با مقدم داشتن مصلحت همگان و منافع ملی و مذهبی، راه تساهل و تسامح و معاشرت نیکو را در پیش گیرند و به منظور حفظ اصول و اصل اسلام و ارزش‌های دینی، از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین جایگاه و منافع زودگذر و آنی خود چشم‌پوشند و اختلافات فرعی را در مقابل اهمیت بسیار زیاد بنیان جامعه اسلامی و همگرایی جهان اسلام نادیده بگیرند و مهم را - که در حقیقت توهمی بیش نیست - فدای اهم نمایند، لذا در ضمن خطبه‌ای می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الصَّمَائِرِ فَلَا تَوَارِزُونَ وَ لَا تَنَاصِحُونَ وَ لَا تَبَادُلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ»<sup>۲</sup>

همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی جز درون‌پلید و نیت زشت شما را از هم جدا نساخته است. نه یکدیگر را یاری می‌دهید و نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌دهید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید.

۱- صدر، محمدباقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۱۵.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۱۳، ص ۲۱۸، ترجمه‌ی محمددشتی

در این صورت است که نتیجه تقدم منافع شخصی بر منافع ملی و مذهبی، همانا تهمت‌ها و افتراها و بداندیشی نسبت به یکدیگر می‌گردد و در مواردی حتی باعث یورش مسلحانه و کشتار بی‌رحمانه نسبت به یکدیگر و هم‌کیشان شده است که این امر، باعث پیدایش نفاق و چند دستگی و ضعف و زبونی مسلمانان گشته است و خداوند بدان هشدار داده‌اند که **(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَذَهَبَ رِيحُهُمْ)**<sup>۱</sup> به عبارتی؛ **مسلمانان ضعیف‌اند، چون پراکنده‌اند و پراکنده‌اند، چون نسبت به عقاید و افکار همدیگر نادانند.** امام خمینی<sup>۱</sup>، نیز می‌فرمود:

«گاهی وقت‌ها اختلافاتی که بین اهل نظر و اهل علم حاصل می‌شود، برای این است که زبان‌های یکدیگر را درست نمی‌دانند. هر طایفه‌ای یک زبان خاصی دارند. نمی‌دانم این مثل را شنیده‌اید، که سه نفر بودند: یکی فارس بود، یکی ترک بود، یکی عرب، اینها راجع به ناهارشان که چه بخوریم بحث کردند، فارس گفت: «انگور می‌خوریم». عرب گفت: «خیر، عنب می‌خوریم». ترک گفت: «خیر، ما اینها را نمی‌خوریم، ما اوزوم می‌خوریم». این‌ها اختلاف کردند برای اینکه زبان یکدیگر را نمی‌دانستند. بعد می‌گویند یکی آمد و رفت انگور آورد، همه دیدند که یک چیز است، یک مطلب، در زبان‌های مختلف. یک مطلب است، اما زبان‌ها مختلف است در آن»<sup>۲</sup>

بنابراین یکی از عناصر همگرایی این است که مسلمانان با خردورزی، فهم و منطق درست نسبت به همدیگر شناخت پیدا کنند و البته نخستین کسانی که باید به این شناخت دست یابند، علما و اهل فکر و نظر از هر دسته‌ای از مسلمانانند و دست‌یابی به این شناخت و به آموزه‌های مذهبی یکدیگر، راهی جز گفت و گو، مناظره و همکاری علمی و جدال احسن ندارد.

سید جمال‌الدین اسدآبادی<sup>۳</sup> نیز معتقد بود؛ ابتدا خود علما و رهبران جامعه‌ی اسلامی از بلاد مختلف در سطوح جهان با هم مجتمع و مرتبط و متحد شوند و به وحدت اسلامی در سطح رهبری شکل بدهند. او می‌گفت:

«علما، خطبا، پیشوایان و وعاظ هر یک از کشورهای اسلامی با یکدیگر ارتباط پیدا کنند و برای تجمع خویش در اطراف جهان مراکز ارتباط و مشاوره به وجود آورند تا برای ایجاد وحدت میان مسلمین در این مکان‌ها جمع شوند و برای وحدت شئون اسلامی از احکام قرآن و مفاد احادیث صحیح کمک بگیرند تا به مقامی برسند که قرآن و دیانت اسلامی برای آنان تعیین کرده...»

و هم‌چنین ایشان اشاره دارد که با تشکیل مجمع عمومی مسلمانان، یکی از کارهای این مجمع و مجتمع علما و صاحب‌نظران اسلامی این است که:

۱- انفال: ۴۶

۲- تفسیر سوره حمد، جلسه پنجم (متن)، ص ۱۷۳

«دعوت کنندگان و سخنرانانی به نقاط دور دست بفرستند و با کسانی که نزدیک تر هستند ملاقات و مذاکره کنند و از احوال بعضی از مسلمانان در مورد دین و ملیت آنان آگاه باشند و یا این که از عوامل پریشانی و ضررهایشان مطلع شوند»<sup>۱</sup>

بنابراین گفتگوی علمی و منطقی بین مذاهب اسلامی موجب تحقق نظام منسجم فکری نظری، روشمند و قوت اندیشه اسلامی می شود.

### منطق دیالوگ (گفتمان)

به منظور تحقق گفتگو و هم‌افزایی بین مذاهب، شایسته است به مفهوم و معنای گفت و گو و برخی لوازم و مقتضیات فرهنگ گفتگو و آداب و اصول آن اشاره‌ای کوتاه شود:

گفت و گو، برخلاف جدال - به معنای عام آن - که یک معنا و بار منفی دارد، ابزاری نیرومند برای ایجاد روابط و پیوندهای اجتماعی و زمینه‌ای مشترک برای جنبش سیاسی، اجتماعی، اندیشه‌ای و اقتصادی است.

گفت و گو، همان بازگشت کلام و سخن میان طرفین است به گونه‌ای که سخن از طرف اول به طرف دوم منتقل شود، سپس به طرف اول باز می‌گردد، بی‌آنکه شنونده یا ناظر متوجه شود که میان طرفین چیزی دال بر خصومت وجود دارد. پس گفت و گوی منطقی، روش و اصولی دارد که چنانچه رعایت نشود به جدال تبدیل خواهد شد.

قرآن کریم، بندگان خویش را مژده می‌دهد که گفته‌ها را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند:

**(فَبَشِّرْ عِبَادِي \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ)<sup>۲</sup>**

بندگان مرا بشارت ده؛ آن‌هایی را که به سخنان این و آن (بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر) گوش فرامی‌دهند و با نیروی تجزیه و تحلیل عقل و خرد بهترین آن‌ها را بر می‌گزینند و از آن تبعیت می‌کنند، آنها هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنها صاحبان خرد و اندیشه‌اند.

این دو آیه، که به صورت یک شعار اسلامی در آمده است، منطق «آزاداندیشی» مسلمانان و سیاست دروازه‌های باز برای خلق گفتمان و انتخاب‌گری آنها در مسائل مختلف را به خوبی نشان می‌دهد که مسلمانان با تأسی و الگوپذیری از سیره عملی پیامبر ۶ و پیشوایان خویش، - مانند گفتمان پیامبر ۶ با نمایندگان ادیان و مناظره‌های امام باقر و صادق ۸ و ... - هیچ‌گونه تعصب و لجاجتی در کار آنها نیست و هیچ‌گونه محدودیتی در فکر و اندیشه آنها وجود ندارد. آنها جویای حق‌اند و تشنه حقیقت و اثبات حق. این در حالی است که بسیاری از مذاهب، پیروان

۱- همان، ص ۱۲۲

۲- زمر: ۱۸ - ۱۷



خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگر نهی می کنند؛ چرا که اینان بر اثر ضعف منطق (و نداشتن دلایل مستدل و محکم و مستند)، که به آن گرفتارند، از این می ترسند که در مناظره علمی، منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروان-شان را از دست بدهند.

در گفت و گو بنابر مفاهیم آیه مزبور، می بایست سه مرحله را که مترتب بر یکدیگرند، مورد توجه قرار داد تا گفت و شنودها اثربخش و کارکرد همگرایانه را به دنبال داشته باشد. این مراحل سه گانه عبارتند از:

۱. تبلور فضای تبادل نظریه ها و گفتمان ها برای انسجام بخشیدن به گفت و شنود و موارد اختلاف.
  ۲. شنیدن و دل سپردن به گفتار با حسن نیت و آگاهی یافتن از نکات و نیکوترین گفتگوها بدون پیش داوری ارزش مدارانه.
  ۳. پذیرش و تسلیم شدن در برابر سخن حق و حقیقت و پیروی از بهترین گفتارها.
- بنابر ینش قرآن کریم و سیرت نبی اکرم ۶ و اهل بیت: و سایر پیامبران الهی، علاوه بر توجه به مراحل بالا، آن گاه به مطلوبمان (که همدلی و همفکری و همگامی مشترک بین فرقه های اسلامی است) دست می یابیم که آداب گفتگو و مناظره را رعایت کرده باشیم.
- اهم این آداب را می توان موارد ذیل شمرد:

۱. هم تراز و مساوی بودن طرفین مناظره (برخورداری از جایگاه تساوی علمی و فهم زبان همدیگر)
۲. شنیدن ادعا و تأمل در آن (فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ ...) <sup>۲</sup>
۳. حاکمیت فضای علمی و پرهیز از عاطفه، احساسات، تعصب و نفی مطلق اندیشی و جزم گرایی
۴. آغاز گفتگو با نکات مثبت مشترک و استفاده از آن در مناظره
۵. پرهیز از طعن به یکدیگر و دشنام و تحقیر
۶. دوری از سیاسی کردن و سیاست زدگی گفتگو
۷. شروع و پایان گفتگو با آرامش و نتیجه بخشی
۸. و ...

رعایت این اصول و آداب، آن چنان اشخاص و اندیشمندان را خواهان حق و انصاف به بار می آورد که منادی و طلایه دار اتحاد و انسجام اسلامی، جناب شیخ بزرگوار مرحوم «شیخ شلتوت» می گوید:

۱- نوح: ۷- وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

۲- زمر: ۱۷ و ۱۸

«من در دانشکده شریعت به صورت تطبیقی تدریس می‌کردم و در یک مسئله آرا و دیدگاه‌های تمام مذاهب اسلامی را مطرح می‌نمودم و چه بسا در میان آن‌ها مذهب شیعه برجستگی بیشتری داشت و من در موارد زیادی رأی مذهب شیعه را به خاطر دلیل قانع‌کننده آن ترجیح می‌دادم و حتی در مسائل زیادی مطابق آن مذهب فتوا دادم؛ از جمله در مورد وقوع «سه طلاق با یک لفظ» که در مذهب سنی درست و در مذهب شیعه نادرست است و در قانون احوال شخصیه هم گنجانیده شده است.»<sup>۱</sup>

بنابراین برای وصول به همگرایی جهان اسلام لازم نیست که دستورات یک مذهب خاص بر دیگران تحمیل شود یا تمام مذاهب در یکدیگر ادغام شوند و چیز سوّمی پدید آید؛ بلکه مسلمانان و رهبران فکری‌شان، نخبگان حوزه و دانشگاه در مسائل فرعی اختلافی، به جای این که نسبت به افکار و آرای همدیگر موضع منفی و بدبینانه داشته باشند، بایسته آن است تا براساس اصول اسلام، ضمن احترام به دیدگاه‌های یکدیگر و ارزیابی خوش‌بینانه، این مسائل را با نقد و تحلیل علمی و اقامه دلیل و برهان، نقض و ابرام نمایند و البته چنین تعاملی به تقویت مبانی اخوت دینی و تلطیف روح برادری اسلامی می‌انجامد؛ زیرا تعمق در مباحث، روشن می‌کند که اختلافاتی که امت واحد را از یکدیگر جدا نموده، بسیار کوچک‌تر و حقیرتر از آن است که به چنین فرجامی بیانجامد؛ افزون بر این که با علم و گفتگوی علمی می‌توان بسیاری از اختلافات را براساس حق و انصاف از میان برداشت و به اتفاق نظر در مسائل فرعی و حداقل به آگاهی و شناخت از افکار و دیدگاه‌های همدیگر دست یافت.

### نتیجه و جمع‌بندی

از جمع‌بندی اجمالی نسبت به آنچه که تاکنون در این مختصر به عنوان «برخی از عوامل همگرایی جهان اسلام» ذکر شد نکاتی چند بدست می‌آید که اهم آن عبارت است از:

#### ۱- تأکید بر اصول و نقاط مشترک

همان‌گونه که گفته شد، جهان اسلام دارای مشترکات اصولی و پذیرفته شده‌ای است که مورد اتفاق نظر و پذیرش تمام مسلمانان است و هیچ‌گونه اختلافی در کلیت آنها میان مسلمانان وجود ندارد. اهم این اصول که هر یک می‌تواند یکی از عوامل اثربخش در همگرایی جهان اسلام باشد عبارتند از:

۱. ایمان به خداوند متعال
۲. ایمان به رسالت حضرت محمد بن عبدالله<sup>۹</sup> به عنوان خاتم‌النبین
۳. ایمان به قرآن به عنوان کتاب مقدس آسمانی
۴. ایمان به کعبه به عنوان قبله مسلمانان

۱- جمعی از نویسندگان، دعوة التقریب با تاریخ و وثائق، ص ۲۵

۵. ایمان به شریعت اسلام به عنوان کامل ترین و آخرین دین الهی

۶. ایمان به اصول و ضروریات دین

۷. ارزش‌ها و شعائر مشترک اسلامی

۸. منافع مشترک جهانی در عرصه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

## ۲- حفظ وحدت و همگرایی با وجود اختلافات معقول

توجه به این نکته لازم است که اختلافات جزئی در فروع را آنقدر با اهمیت و بزرگ جلوه ندهند تا به هم‌اندیشی و همگرایی آنان آسیب وارد نماید؛ زیرا اختلاف به معنای تفاوت درک در مسائل فرعی با حفظ وحدت در اصول، منجر به پیدایش اختلاف در دل‌ها و دو دستگی در صفوف و راهی برای فساد و بی‌عدالتی نخواهد شد، مگر آنگاه که با تعصبات و احساسات نامعقول و جهل و نادانی توأم گردد.

## ۳- آثار و نتایج همگرایی

شعار انسجام اسلامی، وحدت و همگرایی مسلمانان جهان، و تاکید بر این اندیشه و تفکر، آثار و نتایج گوارایی را در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی در منطقه خاورمیانه و بلکه در سطح بین‌المللی به ارمغان آورده که توجه بیش از پیش و بازگو کردن آن آثار، خود می‌تواند در تقویت این مهم نقش به‌سزایی داشته باشد و البته معرفی و پرداختن به آثار و نتایج سازنده همگرایی و همگامی جهان اسلام، خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبد که از ظرفیت این مختصر خارج است.

## ۴- سیره اهل بیت: (ثقل اصغر) محور وحدت و همگرایی

با نگرشی واقع‌بینانه و ایده‌آل، می‌توان گفت که یکی از محورهایی که عامل همگرایی جهان اسلام است، منبع عظیم و یادگار ماندگار پیامبر اعظم<sup>۶</sup>، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت: و سیره و رفتار و سخنان آن پیشوایان و رهبران راستین مسلمانان می‌باشد که به تعبیر مولی‌الموحدین امام علی<sup>۷</sup>:

«...و نَیْسَ رَجُلٍ - فَأَعْلَمُ - أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ و أَلْفَتِهَا مِنِّي»<sup>۱</sup>.

هیچ کس در حفظ وحدت امت پیامبر و الفت آنان به یکدیگر، دلسوزتر از من نیست.

زیرا آنان مترجمان وحی و شارحان قرآن و در امتداد خط رسالت و نبوت قرار دارند.

**سؤال و توهمی** که اینجا به ذهن می‌آید این است که برخی، سنت و سیره ائمه اطهار: را مانعی بزرگ در مسیر تحقق همگرایی مسلمانان تلقی می‌کنند با این تصور و بیان که موضوع سنت اهل بیت: در واقع منجر به ایجاد منبع دیگر تشریح در مقابل سنت نبوی<sup>۹</sup> است و بدیهی است که اختلاف منابع به اختلاف نتایج منجر می‌شود؟!

۱ - نهج البلاغه، نامه ۷۸، ص ۶۶۱

**نقد و پاسخ** این توهم اجمالاً آن است که: ایمان به سنت اهل بیت: نه تنها با تمسک جستن به سنت و سیره نبوی<sup>۹</sup> مخالفتی ندارد، بلکه به معنای تحکیم سنت نبوی<sup>۹</sup> و پالایش آن از ناخالصی‌هایی است که در مسیر نقل آن ممکن است عارض گردد و مفاد آن درست بر عکس جلوه دهد. علاوه بر این، همان‌گونه که در روایات فریقین از توحید و نبوت و دین اسلام به «حبل الله» یاد شده، از اهل بیت: هم، حتی در سخنان عالمان و رهبران غیر شیعی به «حبل الله» یاد شده است. **امام شافعی می‌گوید:**

**«آل النبی ذریعتی و هم الیه وسیلتی ارجو بهم اعطی غذا بیدی الیمین صحیفتی»<sup>۱</sup>**

خاندان پیامبر دستگیر من هستند، آنان وسیله تقرب من به خدایتند، امید دارم به خاطر آنان فردای قیامت نامه عملم را به دست راستم بدهند.

پرداختن به شیوه و روش اهل بیت: برای حفظ وحدت و انسجام همگرایی مسلمانان آن‌چنان گسترده و پر دامنه است که این هم نیز جای خود و مقاله‌ای دیگر را می‌طلبد.

**نتیجه نهایی این که:** امتی که دارای اتحاد و انسجام اجتماعی اسلامی است و با وحدت و همدلی به هم نوعان خویش در هر نقطه‌ای از دنیا که باشد کمک کرده و همواره حضور فعال در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی دارد، دشمنانش دیگر جرأت نفوذ در چنین جامعه‌ای را ندارند؛ زیرا نه با یک حکومت و ملت که با یک «امت واحد» باید مبارزه کنند. براین اساس، این **ثبات سیاسی برآمده از این اتحاد و انسجام اسلامی و همگرایی آنان حربه‌ای بسیار کارآمد در صحنه‌های بین‌المللی شده و دشمنان پیدا و پنهان جهان اسلام از طمع ورزی‌ها بازداشته می‌شوند.**

افزون بر این‌ها، قدرت نفوذ اسلام همانند «صدر اسلام» در تغییرات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی دنیا بیشتر شده و اعتبار جهانی شریعت اسلام روز افزون گشته و جاذبه این دین مبین جهانی، مشتاقان حقیقت را به خود فرا خواهد خواند و وعده الهی که علو اسلام بر سایر ادیان و مکاتب بشری و غیر بشری است، عملاً به ظهور می‌انجامد.<sup>۲</sup>

### **سخن پایانی**

در عصر جهانی‌شدن ارتباطات، گفت و گو و مذاکره‌های پیاپی و استمراربخش میان متفکران اسلامی در زمینه موضوعات متنوع عقیدتی - کلامی، سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، می‌تواند کارآمدترین و بهترین راهکار برای تبدیل فرهنگ مشاجره و اختلاف، به مصالحه و تفاهم قلمداد شده و روزنه امید و درخشانی برای

۱- الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۸۰ .

۲- توبه: ۳۳ - فتح: ۲۸ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

رهایی از بحران کنونی و چالش‌های سرنوشت‌سازی که تاکنون جهان اسلام در کلیه زمینه‌ها با آن روبه‌رو بوده ایجاد نماید که در این صورت با ایجاد زمینه تفاهم و حل مشکلات با همکاری و همدلی گام‌های مؤثری در روند بیداری اسلامی و اتخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز برای ایجاد جامعه‌ی انسانی بر پایه‌ی اصول اسلامی بردارد.

بر این اساس، به نظر می‌آید که بایسته جهان اسلام است که امروزه رهبران، دولتمردان، مجریان و سیاست‌مداران جهان اسلام - علاوه بر تقویت و استمرار بخشیدن به «سازمان کنفرانس اسلامی» و مجامع گفتگو و مذاکره‌های عالمانه علمی - در پی تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی (ایالات متحده اسلامی) در مقابل اتحادیه اروپایی و ایالات متحده آمریکا بوده باشند؛ چون که راه برون رفتی که در پرتو آن می‌توانیم پراکندگی مسلمانان را به اتحاد در درون یک دولت تبدیل کنیم، تشکیل ایالات متحده اسلامی است. اگر در این مورد یک نظرسنجی انجام دهیم، در می‌یابیم که مسلمانان در این مورد متحدند.

## منابع

### قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، لاهیجی، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۲. جغرافیای سیاسی جهان اسلام، عزت‌الله عزیزی، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، تهران، چ ۱، ۷۸
۳. البواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر، عبدالوہاب بن احمد بن علی شعرانی، المصدر النجفی، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۴. صحیفه نور، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۵. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، متقی ہندی، مؤسسۃ الرسالۃ، بیروت، ۱۴۰۹ ق
۶. استراتژی وحدت در اندیشہ سیاسی اسلام، احمد موثقی، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲، پاییز ۱۳۷۵
۷. شش مقاله، مرتضی مطہری، صدرا، تهران، چ ۱۶، ۱۳۸۲
۸. الفصول المهمۃ فی تألیف الامۃ، عبدالحسین شرف الدین الموسوی، دارالزہراء، بیروت.
۹. کتاب الطہارۃ، امام خمینی، مؤسسہ اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ ق
۱۰. بحوث فی شرح العروۃ الوثقی، محمدباقر صدر، مرکز الابحاث و الدراسات التخصیصۃ للشہید الصدر، قم، چ ۱۳۸۱ ش
۱۱. شرح المقاصد، تفتازانی، مسعود بن عمر، تحقیق و تعلیق: عبدالرحمن عمیرہ، قم، الشریف
۱۲. المسند، امام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر
۱۳. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی
۱۴. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن الکریم)، اسماعیل بن کثیر، بیروت، دارالمعرفۃ، ۱۴۱۲ ق
۱۵. تفسیر الکبیر (تفسیر فخر الرازی)، محمد بن عمر، مصر، قاہرہ، عبدالرحمان محمد، ۱۳۵۷ ق
۱۶. الاقتصاد فی الاعتقاد، الامام محمد بن محمد الغزالی، تعلیق و مقدمہ: د. علی بوملحم، دارالمکتبۃ الہلال، بیروت، لبنان، ط ۲، ۱۴۲۱ ق
۱۷. غایۃ المرام فی علم الکلام، سیف الدین آمدی، تحقیق و تعلیق: حسن محمود عبداللطیف، قاہرہ، احیاء التراث الاسلامی
۱۸. عروۃ الوثقی، سید جمال الدین اسدآبادی، ترجمہ زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، بی تا
۱۹. دعویۃ التقرب، جمعی از نویسندگان، مصر، المجلس الاعلی لشئون الاسلامیۃ، ۱۹۹۱

۲۰. استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، جمعی از نویسندگان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چ

۱، ۱۳۸۴ ش

۲۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، دارالمعرفه

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد